

"پرسشی از ایرانیان طرفدار جمهوری در خارج از کشور"

اکثر ما، چه جمهوریخواه و چه طرفدار نظام پادشاهی پس از ۳۰ سال تجربه تلخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به این نتیجه رسیده‌ایم که مخصوصاً در این برهه حساس تاریخی "افراط" یعنی ویرانی.

در این شکی نیست که در هر دو جناح هستند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و احزابی که افراطی می‌پندارند و عمل میکنند. اما روی سخن ما و پرسش ما از آن دسته است که در ۳۰ سال گذشته به صورت جدی به اهمیت "ایران اول" فکر کرده‌اند و به اهمیت "یک ایران آزاد و دموکراتیک" اعتقاد دارند.

پرسش این است. آیا شما جمهوریخواهان هنوز هم پس از ۳۰ سال معتقد هستید که پادشاهی میتواند از جمهوری اسلامی بدتر باشد برای ایران؟ آن هم در زمانی که همه می‌گوییم این مردم آن مردم ۳۰ سال گذشته نیستند و ما با ملتی سرو کار داریم که تجربه سیاسی بزرگی کسب کرده؟ و این ملت است که باید تصمیم نهایی را بگیرد.

آیا دلیل اینکه شما میدانید شاهزاده رضا پهلوی میتواند نقش مهمی در یکپارچه کردن مبارزه ایفا کند ولی حاضر نیستید که نقشی که او میتواند در انسجام بخشیدن به اپوزیسیون داشته باشد را به رسمیت بشمارید از مخالف بودن شما با نظام پادشاهی است یا اینکه ترس شما از اینکه که مبادا در روز رای گیری مردم ایران به پادشاهی به عنوان نوع حکومت رای دهند است؟ آیا پیروزی شما در سیاستهای خود برای شما مهمتر است یا آزادی ایران و مردم ایران؟

و بالاخره، آیا شما جمهوریخواهان میخواهید که جمهوری اسلامی شر خود را از سر مردم ایران کم کند یا هنوز هم دشمنی کردن با پادشاهی برای شما مهمتر است؟

آیا شما به تجاربی که خود شما جمهوریخواهان، و مردم ایران در ۳۰ سال تلخ گذشته کسب کرده‌اند اعتقاد دارید یا نه؟ آیا شما به مردم ایران اعتقاد دارید یا نه؟ آیا شما اعتقاد دارید که پس از تجربه "جمهوری اسلامی" دیگر نمیشود به مردم ایران یک نوع حکومت (چه پادشاهی چه جمهوری) را تحمیل کرد یا نه؟

اگر به مردم ایران اعتقاد دارید نباید امروز از حمایت کردن از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر اپوزیسیون هراس داشته باشید. مگر اینکه چیزی که شما دچارش هستید خود کامه‌گی و خود شیفتگی باشد. هیچ کدام ما نمیدانیم که در یک رای گیری آزاد مردم ایران به چه نوع حکومتی رای خواهند داد ولی دست کم ما طرفداران نظام پادشاهی از اینکه اگر فردا در رای گیری آزاد مردم به جمهوری رای دادند هراسی نداریم.

جمهوریخواهان ۳۰ سال فرصت داشتند که مشکل "رهبری" را برای طرفداران "جمهوری" حل کنند.

یک فرقی که بین طرفداران نظام پادشاهی و جمهوری وجود دارد این است که با تمام کمی و کاستی‌ها دست کم اکثریت طرفداران نظام پادشاهی در اینکه شاهزاده رضا پهلوی رهبر و نماد پادشاهی هستند توافق دارند.

این در حالی است که جمهوریخواهان هنوز پس از ۳۰ سال قادر نیستند که یک "رهبری" مشخص را به مردم ایران معرفی کنند.

آن هم در زمانی که یکی از بزرگترین در خواست‌های مردم ایران و آزادی‌خواهان این است که مشکل "رهبری" را حل کنید.

نه حاضر هستید که شاهزاده را به عنوان یک رهبر سیاسی که میتواند "در پناه پشتیبانی همگانی" نقش مهمی در آزادی ایران ایفا کند بپذیرید و نه قدرت معرفی یک "رهبری" را که جمهوریخواهان بتوانند در کنار او یکپارچه و هماهنگ بر ضد جمهوری اسلامی اقدام کنند را دارید.

در نتیجه، اگر کمی دموکرات و منصف باشید شما جمهوریخواهان باید بپذیرید که مخالفت‌های احساسی و مسلکی شما با نقشی که شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر اپوزیسیون میتواند ایفا کند کمک بزرگی به ادامه بقای جمهوری اسلامی کرده است.

و در این میان، این مردم ایران و وطن است که با سرعت رو به نابودی میروند.

وظیفه همه ما آزادیخواهان این است که بهترین و کم هزینه‌ترین راه جانی برای مردم ایران را که کمک کند مردم ایران و کشور ما از این کابوس وحشتناک و نابود کننده نجات پیدا کنند را ارائه دهیم و در کنار یکدیگر به بازسازی ایرانزمین بپردازیم و اجازه ندهیم که جهانیان ایران را تبدیل به یک ایرانستان مخروبه کنند.

سازمان سامان، به عنوان یک سازمان مردمی طرفدار نظام پادشاهی از هر جمهوریخواه که به ایران و ایرانی و حکومت مردمی اعتقاد دارد می‌خواهد که اول به مردم ایران و به میهن فکر کنید و وجدان انسانی خود را به کار گرفته و بیایید در کنار یکدیگر مشکل رهبری اپوزیسیون را یک بار برای همیشه حل کنیم.

ما ایرانیان فرصت زیادی نداریم و این دور باطل بلاتکلیفی باید هر چه زودتر خاتمه یابد.

بدون شک تاریخ قضاوت مثبتی خواهد داشت در مورد جمهوریخواهانی که جرات این را داشتند که در بدترین زمان در تاریخ ایران از خود رشادت وجدانی نشان داده و برای شکستن این - تابو - تصمیمی اتخاذ کنند که به سود مردم ایران و میهن تمام شود.

مسلماً تصمیم نهایی در مورد نوع نظام آینده با مردم ایران خواهد بود اما مهم این است که امروز "تا کار از کار نگذشته" همه ما کوشش کنیم تا مردم ایران را به آنجایی برسانیم که بتوانند "آزادانه در مورد سرنوشت خود رای دهند".

جمهوریخواهان میتوانند مشکل رهبری اپوزیسیون را با "یک تصمیم مثبت" به سود مردم ایران حل کنند.

امیدواریم که توانسته باشیم این پیام را به صورت مثبت ارائه داده باشیم و امیدواریم که همه ما متوجه باشیم که وظیفه ما اول نسبت به مردم ایران و میهن است.

بیایید در لحظاتی که ایران ما در دو راهی نابودی کامل یا آزادی و پیشرفت قرار گرفته در کنار یکدیگر به وجدان خود رجوع کنیم و در خدمت به مردم گامی مثبت برداریم و این "انقلاب مرگ" را در گورستان تاریخ ایران دفن کنیم.

ایران فردا متعلق به مردم ایران است و ما باید هر کاری که از دستمان ساخته است انجام دهیم تا ایران را برای مردم ایران حفظ کنیم.

و در این راستا کمی بیش از این به مردم ایران اعتقاد داشته باشیم و باور داشته باشیم که آنها خواهند توانست با قابلیت‌ها و تجارب کسب شده از این ویرانستان یک ایران قدرتمند و سر بلند برای خود و فرزندان خود بسازند.

سیاستمداری موفق میشود و نامش جاودانه که بتواند در شرایطی بحرانی تصمیمی بگیرد که وزنه را به سود مردم دگرگون و سنگین کند، نه اینکه از مردم استفاده کند تا وزنه را به سود آرمانهای خود سنگین کند.

همه ما در خدمت مردم ایران هستیم و در خدمت دفاع از خاک میهن و زمان آن رسیده که همه ما این شهامت را داشته باشیم تا در این لحظات تاریخ ساز تصمیم‌های بزرگ که منجر به آزادی میهن و ملت شود بگیریم.

یک سیاستمدار که خود را میهن‌دوست و از مردم نیز مینامد باید توان و آینده نگری قوی داشته باشد و قدرت تشخیص و تمیز دادن بین سیاست بد از سیاست درست. ۳۰ سال گذشته، باید به ما آموخته باشد که سیاست‌های ۳۰ سال گذشته راه گشا نبوده و باید همه ما در روابط خود با یکدیگر تجدید نظر کنیم.

اگر موفق به این کار نشویم در پرتگاه و مرز "خیانت به مردم و میهن" قرار گرفته‌ایم.

در قبال پشتیبانی جمهوریخواهان از نقشی که شاهزاده رضا پهلوی میتواند به عنوان تنها رهبر اپوزیسیون در جهت هم‌آهنگ کردن و شدت بخشیدن به مبارزه ایفا کند، طرفدارن نظام پادشاهی به نوبه خود یک بار دیگر پیمان خود را با جمهوریخواهان تازه کرده و فراموش نکنند هیچ کدام ما بر دیگری حق بیشتری نداریم بلکه همه ما "مردم ایران هستیم" و همه ما برای آزاد کردن "حق خود" از اسارت و ظلم میکوشیم.

و در فردای آزادی و رای گیری برای "تعیین سرنوشت و نوع حکومت" و حتی پس از روز رای گیری همه ما مردم و ملت هستیم که باید در باز سازی ایران نقشی مهم ایفا کنیم و حقوق یکدیگر را محترم بشماریم، زیرا بدیهی است که برای نجات ایران و باز سازی، میهن ما به همه استعدادها نیاز دارد.

بیاید وطن را نجات دهیم و امید برای زنده ماندن و زندگی کردن را به مردم خود باز گردانیم.

"وطن نام فرد فرد ما را صدا میزند و به کمک ما نیاز دارد و ما نباید با یک دندهگی‌ها به دشمنان ایران میدان دهیم."

پرچمدران

۱۱ اکتبر ۲۰۰۸